آنچه مسلم است این است که نمی‌توان بدون علم و استفاده از تجربه دیگران به اقیانوس عمیق تربیت وارد شد و به جنگ جهل و گمراهی رفت. همچنین همچون عده ای از مربیان با دو یا سه حدیث و شناختی ناقص از یک یا دو اصل تربیتی در سیره ائمه نمی‌توان تربیت نوجوانی موفق را انتظار داشت.

تربیت دریاییست بی‌انتها چون موضوعش انسان است که اشرف مخلوقات است . متاسفانه خیلی از انسان‌ها را دیده ایم که چند صباحی در مسجد تنفس نموده ولی روحشان اقناع نشده و همه را از چشم دین می‌بیند. دین گریزی ، قشری‌گری و اشباع کاذب حداقل مشکلاتی است که ممکن است در تربیت ناصحیح پیش بیاید.

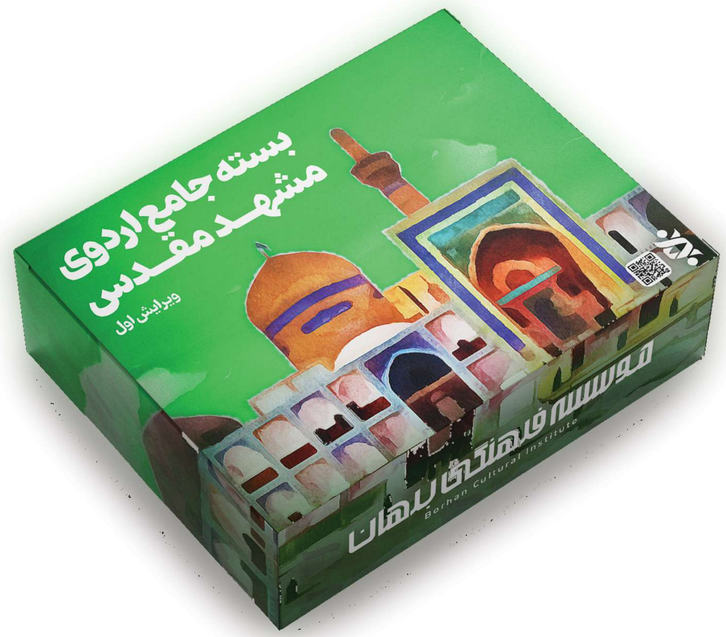

تربیتی صحیح است که بر مبنای تفکر و عقلانیت اتفاق می‌افتد، اگر چه در پله‌های ابتدایی بیشتر در لایه‌های عاطفی می‌بایست فراگیر را رشد داد.

معلم شهید استاد مرتضی مطهری تربیت را این‌گونه تعریف میکند : تربیت واقعی عبارت است از پرورش دادن، یعنی استعدادهای درونی را که بالقوه در یك شی موجود است به فعلیت درآوردن.

و دیگر اساتید که تربیت را معنا نموده اند که تقریبا همگی تربیت را رشد دادن و شکوفا نمودن تعریف نموده‌اند.

بنا بر این تربیت جو دادن و شور دادن نیست تا با حاکم نمودن جو و دیدن تغییراتی در فراگیران به خود ببالیم.

تربیت تبلیغ نیست، که با دو ساعت کار و مخاطبی چند ده نفره و یا چند صد نفره اثرات خوبی دیده شود. تربیت آموزش نیست که با شرح و آموزش یک کتاب یک فرد اخلاقی و دانشمند تربیت شود.

برهان تربیت را؛ جریان تعاملی، زمینه‌ساز و مستمر برای زدودن موانع ، شناسنایی و شکوفایی استعدادهای فطری جهت دستیابی به مراتبی از حیات طیبه و تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی در سطح ملی و جهانی می‌داند.

موسسه فرهنگی برهان همواره سعی نموده قدم به قدم با اساتید این حوزه حرکت کند و دیدگاه‌های تربیتی را در جلسات تربیتی پیاده نموده ، بومی سازی و مستند نماید تا ان‌ءشالله سهمی در پیشبرد برنامه‌های تربیتی فعالین این عرصه داشته باشد .

تربیت از نگاه
برهان

FarhangiBorhan.IR
@FarhangiBorhan

امروزه بسیاری از جوانان دردمند انقلابی چه در کسوت طلبگی و چه دانشجوهایی که به صورت خود جوش پای در عرصه تربیت نهاده‌اند تا در مقابل این هیولای فرهنگ شیطانی و صادراتی غرب بتوانند کودکان و نوجوانان را حفظ نمایند و با تشکیل گروه‌های کوچک و بزرگ مدرسه‌ای و مسجدی به تربیت نسلی که بتواند در برابر این هجوم، خود را حفظ کند همت گمارده‌اند.

مسلما این تلاش‌ها باید دارای بازدهی بیش‌تری باشد که اولا خود جوانانی که وارد این عرصه گردیده‌اند از نتیجه زحمات خود رضایت داشته باشند و هر روز نیروی بیشتری در این راه بگذارند و ثانیا منابعی که جهت این امر اختصاص می‌یابد بتواند باعث تربیت نوجوانان بشود.
یک مربی تربیتی با توجه به معنای تربیت، در گرماگرم اردوها و برنامه‌ها همواره باید از خود این سوالات را بپرسد:

۱- فراگیران در حال آموختن هستند یا در حال گذراندن وقت؟! سوالاتشان را از ما می‌پرسند یا به دنبال پرکردن اوغات فراغتشان هستند؟!
و در هر زمان فراگیران در حال آموختن چه چیزی هستند؟

۲- ما تشنگی می‌دهیم یا سیراب می‌کنیم؟ حرکت ایجاد می‌کنیم یا سکون ؟ درد دین می‌دهیم یا درد نفس ؟ احساس دینی ایجاد می‌کنیم یا باور دینی؟ بچه‌ها را به فکر وامیداریم یا به اطاعت ؟ بچه‌ها را به بندگی خدا دعوت می‌کنیم یا به بندگی خود؟ دین را وارد قلب بچه ها می‌کنیم یا وارد مغز بچه ها؟

۳- دینی که به بچه ها معرفی میکنیم : احساسی است یا عقلانی؟ پاسخگوست یا توجیه‌گر؟ دین ۱۴۰۰ سال پیش است یا دین امروز ؟ دینِ ستیز است یا دینِ گریز؟ دین قیام است یا دین قَعود ؟ دینی به ابعاد سجاده و مسجد است یا دینی به وسعت تاریخ و کل عالم ؟ دینی که از درون انسان و فطرت پاک انسانی نشات می‌گیرد یا دینی که در کتب و دستورات خلاصه می‌شود؟

۴- بچه‌ها را به عمق می‌بریم یا به ادا در آوردن دعوت می‌کنیم ؟! شور می‌دهیم تا به دنبال شعور باشند یا شور می‌دهیم که با شعور بجنگند ؟! پیرو اهل بیت تربیت می‌کنیم یا فقط نوکر اهل بیت؟! عزادار حسین(ع) تربیت می‌کنیم یا حسینی تربیت می‌کنیم؟